



شناسایی مولفه‌های بروز ناهنجاری در ورزشگاه‌های ایران (مطالعه موردی: لیگ برتر فوتبال)

مهدی شریعتی فیض آبادی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی مولفه‌های بروز ناهنجاری در ورزشگاه‌های ایران است. این پژوهش به لحاظ هدف در شمار پژوهش‌های کاربردی و از منظر ماهیت جزو پژوهش‌های آمیخته بود که در دو مرحله کیفی از نوع تحلیل محتوا و کمی انجام شد. نمونه آماری کیفی شامل تمامی متخصصان و صاحب‌نظران در زمینه خشونت و هواداری در فوتبال (مدیران ورزشی، اعضای هیات علمی، مسئولان کانون هواداران، هواداران و اصحاب رسانه) بود که پس از ۱۷ مصاحبه (به‌عنوان نمونه مطالعاتی هدفمند-گلوله برفی) و رسیدن به مرحله اشباع نظری، تمامی مصاحبه‌ها به‌منظور تحلیل بر روی کاغذ نگارش شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ادامه ضمن تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و ادبیات پیشینه این حوزه، تعداد ۴۵ مفهوم بعد از دو دور دلفی (FDM) در قالب پرسشنامه به دست آمد که پس از توزیع در میان تعداد ۳۰ نفر از هواداران حاضر در ورزشگاه آزادی، ضریب پایایی آن ۰/۷۸۳ به دست آمد. با استفاده از فرمول کوکران برای حجم جامعه نامشخص، ۲۵۰ پرسشنامه در ورزشگاه‌های غدیر اهواز، عضدی رشت، آزادی تهران، تختی جم و یادگار امام تبریز به‌عنوان ورزشگاه‌های ملتهب در هفته ششم لیگ برتر توزیع شد که در نهایت ۲۲۱ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS v.22 و مدلسازی معادلات ساختاری (LISREL v.8.8) تجزیه و تحلیل شدند که با توجه به ضرایب تاثیر به ترتیب کانون هواداران (۰/۶۷)، شرایط ورزشگاه‌ها (۰/۶۰)، شرایط فرهنگی

۱. دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی، استادیار، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، آموزشکده تربیت بدنی امام علی (ع)، تهران، ایران

(۰/۴۴)، شرایط امنیتی (۰/۳۷) وضعیت مدیریت (۰/۳۰) مهمترین مولفه‌ها بودند. به نظر می‌رسد با توجه به حضور لیدرها در قالب کانون هواداران به عنوان مهمترین مولفه ناهنجاری و تحریک هواداران در ورزشگاه‌های ایران، ارائه آموزش‌های لازم به این گروه از افراد برای مدیریت سکوها در کنار به کارگیری افراد شایسته در این جایگاه بیش از پیش ضروری است.

واژگان کلیدی: خشونت، فوتبال، لیدر، ناهنجاری و ورزشگاه

مقدمه

در بین رشته‌های ورزشی که در سراسر دنیا دارای مسابقات منظم است، بی‌تردید فوتبال پرطرفدارترین و پر مشارکت‌ترین فعالیت و رشته ورزشی به شمار می‌آید تا آنجا که بسیاری از کشورهای پنج‌قاره جهان آن را در رديف ورزش ملی خود محسوب کرده‌اند (مصباحی پور، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر، فوتبال پر بیننده‌ترین فعالیت ورزشی است و گسترش روزافزون آن سبب شده مرزهای جغرافیایی، نژادی، قومی، سیاسی و عقیدتی را درنوردد. لبریز بودن ورزشگاه‌ها از تماشاچیان در دیدارهای داخلی، ملی، قاره‌ای و جهانی و برخورداری رقابت‌ها از بینندگان چند صد میلیونی پخش تلویزیونی، فوتبال را به مردمی‌ترین ورزش جهان تبدیل کرده است (گاشوان، ۲۰۰۷). فوتبال یکی و البته نه تنها و نه لزوماً بهترین صورت ممکن از صور مختلف بازی با توپ و بدون تردید مهم‌ترین آن در عصر ماست؛ گویی سرنوشت تاریخ فرهنگ بشر چنین بوده است که توپ نقش مهمی در سراسر آن ایفا کند (هاشمی و جوادی، ۱۳۸۶).

۱۷۹

در حال حاضر تماشای یک بازی فوتبال، یکی از اشکال عمده گذران اوقات فراغت در جامعه محسوب می‌شود. در کنار این موضوع، امروزه فوتبال مهم‌ترین صنعت ورزش هزاره سوم به حساب می‌آید تا جایی که بسیاری از باشگاه‌های جهان به دنبال کسب درآمد از این بازار پرسود هستند (رجب زاده و همکاران، ۱۳۹۷). افراد زیادی با حضور در رقابت‌ها و رویدادهای ورزشی خود را هوادار رشته‌های ورزشی می‌دانند. آمار این جمعیت‌ها را نمی‌توان به درستی تعیین کرد، اما در مورد برخی از رقابت‌ها مانند جام جهانی فوتبال شمارشان بالغ بر میلیون‌ها نفر تخمین زده می‌شود. شاید هیچ رویدادی به اندازه جام جهانی فوتبال نتواند تا این حد توجه مردم کره زمین را به خود جلب کند (غلامی و حیدری نژاد، ۱۳۹۴). ریچاردز^۱ در کتاب خود در فصلی با عنوان «شکوه این بازی»^۲ به تحلیل نشانه‌شناختی تاریخ فوتبال می‌پردازد و به کارکردهای جامعه‌پذیری و تربیتی این بازی اشاره می‌کند: «فوتبال در دبیرستان‌های خصوصی انگلستان جایگزین بازی‌های بی حساب و کتاب، پرخشونت و نامنظم‌تر شده بود تا اولاً، رشد ذهنی و جسمانی اعضای آینده طبقه حاکم در بریتانیا تقویت گردد و ثانیاً، دانش آموزان با تن دادن به نظم بازی، بتوانند با رضایت و رغبت بیشتری به اقتدار معلمان تن دهند (خاقانی و شانواز، ۱۳۹۵). جک اشتاین^۳ معتقد است: «فوتبال بدون هوادارانش هیچ است»؛ یعنی جذابیت‌ها و جایگاه این بازی را نه بازیکنان، بلکه هوادارانش می‌سازند. بیشتر مخاطبان رسانه‌ای این رشته زنان، کودکان، نوجوانان، گروه‌های سنی کهنسالان و بسیاری از میانسالان متعلق به گروه‌های اجتماعی خاص هستند (مصباحی پور، ۱۳۸۱). علاقه‌مندی به پیگیری و تماشای مسابقه‌های فوتبال به اندازه‌ای است که گمان نمی‌رود هیچ واقعه علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد که جامعه‌ای با این وسعت بخواهد با این شتاب، جریان وقوع آن را دنبال کند. شادی کردن، متأثر بودن و به اصطلاح «ابراز احساسات» کردن هنگام بازی و برد و باخت در فوتبال منحصر به تماشاگران حاضر در میدان نیست. تماشاگران تلویزیونی، شنوندگان رادیویی، خوانندگان روزنامه‌ها و مجلات نیز آرام نمی‌نشینند و خواه‌ناخواه با انگیزه‌های متفاوت، احساسات

1. Guschwan
2. Richards
3. The Glory of the Game
4. Jack Stein

خود را نسبت یکی از تیم‌ها بروز می‌دهند. امروزه اگر بخواهیم افرادی را که برای دیدن مسابقات فوتبال به ورزشگاه می‌روند را مورد شناسایی قرار دهیم می‌توانیم به تقسیم بندی زیر برسیم (پارسامهر و ترکان، ۱۳۸۸):

- کارشناسان ورزشی (برای تحلیل مسابقات)؛
- خبرنگاران ورزشی (برای تهیه خبر)؛
- افراد عادی (برای گذران اوقات فراغت)؛

- هواداران تیم‌های ورزشی (برای گذران اوقات فراغت و حمایت از تیم محبوبشان).

حضور سه گروه اول به موارد زیادی از جمله سطح مسابقه، زمان برگزاری، فاصله محل زندگی تا ورزشگاه و ... بستگی دارد. تعداد شرکت کنندگان در سه گروه فوق در بسیاری از مسابقات شاید به هزار نفر نیز نرسد، اما مهمترین گروه، گروه چهارم هستند؛ کسانی که با حضورشان در ورزشگاه‌ها موجب شور و نشاط، بالا رفتن انگیزه ورزشکاران، حضور اسپانسرها، تبلیغات و ... می‌شوند (پارسامهر و ترکان، ۱۳۸۸).

اصطلاح هواداری از ورزش به تماشاگران تشویق کننده‌ای اشاره دارد که نسبت به یک تیم یا باشگاه تعصب می‌ورزند. واقعیت این است که گروه‌های متفاوتی از جامعه در سنین مختلف با جنسیت‌های متفاوت و از طبقات اجتماعی، نژادی، قومی و فرهنگی مختلف از خدمات، محصولات و برنامه‌های ورزشی و به نوعی در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای خویش استفاده می‌کنند (اندام و سلیمی، ۱۳۹۶). این هواداران به تماشای مستقیم فعالیت‌های ورزشی در ورزشگاه‌ها می‌پردازند و یا از طریق رسانه‌ها پیگیر رویدادهای ورزشی فوتبال هستند (شوماخر و همکاران، ۲۰۱۶). از دید رجب زاده و همکاران (۱۳۹۷)، هواداران متعهد به یک باشگاه یا تیم، منبع درآمد و ابزار مناسبی برای تبلیغات آن باشگاه به حساب می‌آیند. تماشاگری به عنوان یک بخش مهم از پدیده فوتبال در جامعه امروزی و نیز به عنوان سکه‌ای دورویه با واقعیتی زشت و زیبا تعبیر می‌شود و جنبه‌های مثبت آن با کارکردهای فوق‌العاده ارزشمند در کنار رویکرد منفی و عوارض زیانبار آن آمیخته است و طبیعی است که یکی از عوارض منفی، پدیده اوباشگری و بروز رفتارهای ناهنجار در میان آنهاست (رحمتی، ۱۳۸۶).

گاهی اوقات فوتبال به عنوان جریان سالم تفریحی و سازنده که بسان عامل پنهان در امر کنترل اجتماعی و بهسازی فردی عمل می‌کند، خود در مسیر انحرافی قرار می‌گیرد و به عامل تخریب وحدت و وفاق تبدیل می‌گردد (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۳). بررسی و تبیین رویدادها و حوادث خشونت‌بار مربوط به فوتبال را هر از گاهی می‌توان در هنگام برگزاری مسابقه‌های فوتبال در عرصه‌های ملی و بین‌المللی مشاهده کرد (عبداللهیان، ۱۳۸۱). خشونت و پرخاشگری، پدیده‌هایی روانی اجتماعی هستند که در محیط‌های جمعی هیجان‌آور امکان تجلی پیدا می‌کنند (اندام و سلیمی، ۱۳۹۶) و بین فعالیت‌های ورزشی گوناگون، فوتبال بیش از سایر رشته‌های ورزشی زمینه‌ساز چنین محیط پرتلاطمی است. بررسی زمینه‌های مساعد اجتماعی موجود در ورزش فوتبال را می‌توان بررسی جامعه‌شناسانه‌ای دانست که امکان شناخت عامل‌های اجتماعی موثر را در ورزش و خشونت فراهم می‌سازد (فاضلی، ۱۳۸۶). خاقانی آوار و شانواز (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی خشونت کلامی (شعارهای تحقیرکننده علیه بازیکنان، مربیان، داوران و مدیران) و مجازی تماشاگران فوتبال در ایران پرداختند. این پژوهشگران به دنبال پاسخ به چرایی شیوع وندالیسم در ورزشگاه‌های فوتبال بودند. آنها

علل روانی، اجتماعی و فرهنگی را مهمترین دلایل وندالیسم^۱ فوتبالی گزارش کردند. از دید این پژوهشگران، آموزش لیدرها به عنوان پل ارتباطی هواداران و باشگاه نقش اساسی در پیشگیری از خشونت ورزشگاه‌ها دارد. آنها معتقدند در حالی که در ایران بسیاری از لیدرهای هواداران را افرادی بی سواد و دارای سوءسابقه تشکیل می‌دهند، در کشورهای پیشرفته لیدرهای هوادارای دارای تخصص‌هایی حتی در زمینه‌های روان‌کاوی و روانپزشکی هستند که به مدیریت هرچه بهتر سکوها کمک می‌نمایند. غلامی ترکسلویه و حیدری نژاد (۱۳۹۴) چهار عامل وضعیت ایمنی و بهداشتی ورزشگاه، داوری، پوشش رسانه‌ای و مدیریت برگزاری مسابقات را به ترتیب مهمترین عوامل موثر در بروز پرخاشگری هواداران تیم‌های فوتبال اهواز گزارش کردند. اندام و سلیمی (۱۳۹۶) در مقاله خود به بررسی عوامل موثر در ایجاد ناهنجاری در رفتار هواداران لیگ برتر هندبال پرداختند و پنج عامل محیطی، روانی، امنیتی، حمایتی و مدیریتی را در بروز این ناهنجاری‌ها موثر دانستند. کارگر و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با ارائه الگوی عوامل تاثیرگذار بر امنیت رویدادهای ورزشی ایران، حضور متعدد رویدادهای رسانه‌ای در حوزه ورزش و تامین امنیت این مسابقات را در تقویت اعتماد عمومی مردم موثر گزارش کردند. این پژوهشگران، پنج حوزه زیرساخت، فناوری، رسانه‌ها و تبلیغات، منابع انسانی و اقدامات فرهنگی را از جمله عوامل موثر بر امنیت رویدادهای ورزشی تقسیم بندی کردند. فرایند مدیریت امنیت انتظامی رویدادهای ورزشی شامل گام‌های مدیریت و برنامه‌ریزی مسابقات، سیاست‌ها و تدابیر انتظامی، سامانه مدیریت ورزشگاه، برآوردها، کنترل ترافیک، تعاملات و مشارکت بین‌سازمانی است. رمضان‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای به بررسی عوامل بروز پرخاشگری تماشاگران از دید داوران پرداختند که مدیریت امکانات و خدمات، هیجان رسانه‌ای، نتیجه‌گرایی، مدیریت زمانی و مکانی، رفتار اعضای تیم، نوع داوری، رفتار مربی و داور، حساسیت اجتماعی و سابقه رقابت را به ترتیب مهمترین عوامل گزارش کردند. از دید فاضلی (۱۳۸۶) نزاع بین هواداران پرسپولیس و استقلال یکی از مسائل سال‌های اخیر فوتبال ایران بوده است. تنها یک بعد مسئله، او باشگری و تخریب‌ها و زدوخوردهای کلامی و فیزیکی هواداران است؛ بعد مهمتر گسترش یافتن این امور به اعتراضات اجتماعی و شورش‌های سیاسی است. جشن‌های خیابانی که به دنبال پیروزی تیم ملی در مسابقات بزرگ انجام می‌گیرد، اغلب به صورت کارناوال‌های سیاسی و فرهنگی مطرح می‌گردند که مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌های ایدئولوژیک مغایر با ایدئولوژی رسمی حکومت مانند رقص، موسیقی، شعارهای سیاسی، اختلاط دختر و پسر و برهم زدن نظم و امنیت شهر را با خود دارند. از دید فاضلی (۱۳۸۶) عامل اصلی این معضلات، رسانه‌ها هستند. وی معتقد است دورویکرد کلی درونی یا «رهیافت ورزشی» و بیرونی یا «رهیافت اجتماعی» را می‌توان برای شناخت و تحلیل فوتبال به کار برد. رهیافت ورزشی به بحث فنی فوتبال مانند مربیگری، بدنسازی و ... باز می‌گردد، حال آنکه رهیافت اجتماعی در واقع به مصرف رسانه‌ای فوتبال یا آثار فوتبال بر جوامع و افراد می‌پردازد که بیشتر پژوهش‌های جامعه‌شناسی در این حوزه است. رویکرد اجتماعی فوتبال را نه صرفاً نوعی ورزش، بلکه نوعی «کنش جمعی» و «نهاد اجتماعی» در نظر می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۸۶). حسین پور و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی بر بروز رفتارهای او باشگرانه تماشاگران فوتبال، ارتباط موثری بین تحریک رسانه‌های جمعی با رفتارهای نابهنجار

تماشاگران گزارش کردند. از دید این پژوهشگران، تجدید نظر در محتوای برنامه‌های ورزشی رسانه، یکی از مهمترین راهکارهای کاهش رفتارهای ناهنجار در ورزشگاه‌ها گزارش شده است. دادگران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحلیلی به بررسی پیچیدگی‌های روانی اجتماعی فوتبال رسانه‌ای پرداخت و پرخاشگری را پیامد ناکامی افراد در ارضای خواسته خود گزارش و از فوتبال به عنوان ابزاری برای تسویه حساب شخصی افراد یاد می‌نماید. وی در نهایت فوتبال را پدیده‌ای می‌داند تا عامه مردم «واقعیت موجود» را «حقیقت مطلوب» فرض نمایند. از نظر دادگران (۱۳۸۷) مهمترین کارکرد فوتبال لیگ برتر، بعد اجتماعی و فرهنگی آن است. از دید وی، فوتبال به مردمان می‌آموزد چگونه در جامعه مبارزه نمایند و چگونه با دیگران مشارکت نمایند. فاضلی (۱۳۸۶) نیز معتقد است: «ورزش رسانه‌ای» موجبات شکل‌گیری مفهوم «بازنمای فوتبال» به جای «واقعیت فوتبال» می‌شود که خود این موضوع بسترساز بروز خشونت است. در واقع، هر جامعه‌ای فوتبال را به تناسب شرایط تاریخی و اجتماعی خاص خود در رسانه‌هایش بازنمایی می‌نماید.

در پژوهش‌های خارج از ایران نیز تاکنون پژوهشگران مختلفی به بررسی بروز خشونت در ورزشگاه‌ها پرداخته‌اند و بیشتر آنها حضور اولتراها را مهمترین عامل در بروز رفتارهای ناهنجار هواداران گزارش کرده‌اند. الزتما^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی «اولتراها و ترسوها»^۲ در فوتبال پرداخته است. وی نقش اولتراهای فوتبالی را در انقلاب ۲۰۱۱ مصر موثر می‌داند. از دید وی، اولتراها بخشی بزرگ از فرهنگ فوتبال جوامع هستند و تمام تاریکی‌های فوتبال در ربع قرن بیست و یکم ماحصل حضور این افراد در استادیوم‌های فوتبال است. این پژوهشگر عدم حضور زنان، خانواده و افراد مسن در ورزشگاه را موجبات نیرو گرفتن این افراد می‌داند و جریانات سیاسی در کشورهای مصر، مراکش، تونس و الجزایر را متأثر از فعالیت این افراد گزارش کرد. از دید الزتما (۲۰۱۲) اولتراها به خود اجازه می‌دهند تا به بازیکنان، خواهر، مادر و همسران آنها، داوران و نیروهای امنیتی توهین و حتی آنها را با مشعل‌هایی که در دست دارند (شاماریخ^۳) تهدید نمایند. دورسی^۴ (۲۰۱۲) نیز در مقاله‌ای به بررسی نقش اولتراهای فوتبالی در بهار عربی پرداخته است؛ از دید وی، فوتبال در خاورمیانه از دیرباز به عنوان فضایی برای ابراز خشونت و ابراز و اماندگی علیه قدرت بوده است. از دسامبر ۲۰۱۰ و همزمان با فوران شورش‌های عربی، فوتبال به مثابه ابزاری غیر مذهبی و غیر حکومتی در مقابله با رژیم‌های سرکوب شده استفاده می‌شود که به‌عنوان نمونه می‌توان به برکناری رییس جمهور مصر (حسنی مبارک) در سال ۲۰۱۱ اشاره نمود. وی در نهایت، اولتراهای فوتبالی را تصمیم‌گیران اصلی سیاست‌های خیابانی می‌داند.

اولترا در واقع گروه‌های هواداری افراطی بودند که در دهه ۱۹۶۰ میلادی در اروپا ظهور پیدا کردند. این گروه از لایه‌های سطحی یک هوادار فراتر رفته و افراطی‌ترین طرفداران دنیای ورزش محسوب می‌شوند (برچبول و همکاران^۵، ۲۰۱۷). پیدایش آنها ناشی از اعتراضی بود که آنها نسبت به باشگاه‌ها داشتند؛ در آن زمان تیم‌ها تصمیم گرفتند برای فروش بلیت، سقفی تعیین کنند. گروه‌های کم‌بضاعت و عمدتاً پرخاشگر از طبقه کارگر به

1. El- Zatmah
2. Ultra & Tresos
3. Shamarikh
4. Dorsey
5. Brechbuhl et al.

این امر اعتراض نمودند و به سادگی تبدیل به اولین اولترهای جهان شدند. دامنه خشونت نهفته در ذات این افراد به انگلستان نیز کشیده شد. نقش یک خشونت طلب برای همیشه با نام این گروه عجین شد. اولتراها برای شناسایی و تمایز با سایر هواداران هر یک نام ویژه‌ای برای خود برگزیدند. با گسترش خشونت از سوی اولتراها، مأموران امنیتی ورزشگاه‌ها نیز در این موضوع وارد شدند. آنها تصمیم گرفتند تدابیر ویژه‌ای برای کنترل این هواداران افراطی در نظر گیرند که زندان تنها راه چاره آنان بود (بهروش، ۱۳۹۷). امروزه بزرگترین گروه‌های اولتراها را در ایتالیا می‌توان دید. در این کشور نفرت هواداران دو تیم اول شهر میلان؛ جنوا، تورین و رم از یکدیگر تا بالاترین حد ممکن است. عقاید نژادپرستانه دو طرف متخاصم همگان را به یاد مأموران اس.اس (گردان حفاظتی حزب نازی) زمان هیتلر و فاشیست موسولینی می‌اندازد. در واقع اولترا، پیوند دهنده فوتبال با آرمان‌های نازی است (دورسی^۱، ۲۰۱۲). سین کاکس^۲ هوادار ۵۳ ساله ایرلندی یکی از آخرین قربانی‌های اولتراهای ایتالیایی بود که در مرحله نیمه نهایی جام باشگاه‌های اروپا و پیش از دیدار دو تیم لیورپول و رم توسط دو جوان کشته شد. «گنارو توماسو»^۳ لیدر باشگاه ناپولی نیز در دسته این اولتراها قرار می‌گیرد که در سال ۲۰۱۴ و پیش از دیدار ناپولی با فیورنتینا به ضرب گلوله ۳ طرفدار فیورنتینا در چند متری ورزشگاه ناپولی کشته شد. رسانه‌های جهان این شب را «شب شرمندگی فوتبال ایتالیا نامیدند» (گینهوکس^۴، ۲۰۱۸). چهار نشانه اصلی هواداران افراطی یا همان اولتراها عبارت‌اند از (برچبول، دیمک و سیلر^۵، ۲۰۱۷):

- هرگز در طول بازی از تشویق تیم دست برنمی‌دارند. آنها هیچ توجهی به نتیجه بازی ندارند و گاه شعارهایی بی‌ارتباط با فوتبال و در مدح گرایش سیاسی خود سر می‌دهند؛
- هرگز روی سکوها نمی‌نشینند که به طعنه آنها را از این نظر «آرمیجر» می‌نامند؛
- اولتراها در تمام دیدارها حضوری فعال دارند؛
- اولتراها برای آنچه مقدس می‌پندارند، احترام ویژه‌ای قائل‌اند و هرگز بدون رعایت مسائل خاص مربوط به پاسداشت مقدساتشان، راهی ورزشگاه نمی‌شوند. هر گروه اولترا برای برخی بازیکنان تیم محبوب خود سرودهای جداگانه‌ای در نظر می‌گیرند. همان‌طور از سرودن زشت‌ترین شعارها در مورد بازیکنان تیم‌های رقیب هیچ ابایی ندارند.

در مورد همکاری با باشگاه نیز اولتراها اغلب نماینده ویژه‌ای دارند که با سطوح بالای مدیریتی هر باشگاه روابط نزدیک و خاصی دارد. گروهی دیگر از اولتراها، نماینده ثابتی جهت نظارت در فروش بلیت‌های فصل دارند. از سوی دیگر، باشگاه‌هایی وجود دارند که اولتراها را گروه‌های زانندی می‌دانند و برای آنها نقشی قابل نیستند. هرگاه یک باشگاه صاحب چند گروه هوادار اولترا شود، اغلب درگیری ایجاد شده و به همین سبب باشگاه‌های مختلف علاقه‌ای به گسترش همکاری با اولتراها ندارند (دورسی^۶، ۲۰۱۲). سال ۲۰۱۶ نیز فدراسیون فوتبال اسپانیا با تشکیل کمیته ضدخشونت و اعمال موارد ۱۰ گانه سعی در کاهش اثرات مخرب

1. Dorsey
2. Sean Cox
3. Gennaro De Tommaso
4. Ginhoux
5. Brechbuhl , Dimech & Seiler
6. Doresi

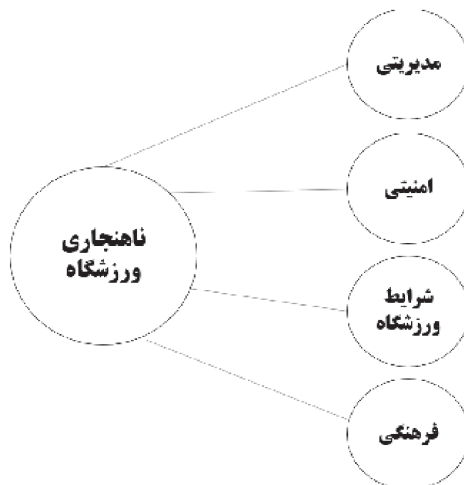
این هواداران فوتبال کرد (برچمول و همکاران^۱، ۲۰۱۷). نفرت دو گروه با عملیات پارتیزانی گاه تبدیل به فجایع انسانی شده است. چندی پیش در یکی از ورزشگاه‌های اسپانیا این شعار به چشم می‌خورد: «برای مردگان سایر گروه‌ها»؛ این قصه تکراری با کشته شدن یک هوادار سوسیپه‌داد به دست «سور»^۲ (گروه‌های افراطی هوادار رئال) که ارتباط ویژه‌ای با نئونازی‌ها دارند، صورت گرفت (شوماخر^۳، ۲۰۱۷).

در این میان، اگر روزگاری تعداد ورزشگاه‌های با ظرفیت ۵۰ هزار نفری در جهان از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد، امروزه چند صد ورزشگاه عظیم در سراسر دنیا احداث شده است که مکان‌هایی برای گردهم آمدن دوستداران و طرفداران فوتبال محسوب می‌شوند و کشور ایران نیز از این حیث مستثنی نیست (هاشمی و جوادی، ۱۳۸۶). ساخت ورزشگاه‌های مدرن نقش جهان اصفهان، امام رضا (ع) مشهد و شهدای فولاد اهواز گواهی بر این مدعاست. آنچه در این بین مغفول مانده است، التهاب سکوه‌های ورزشگاه‌های فوتبال در ایران است. تاریخچه خشونت و پرخاشگری در ورزش ایران، با ورزش فوتبال آغاز شد. در دهه ۱۳۴۰ مسابقات باشگاهی تهران در تب و تاب رقابت سه باشگاه شاهین، تاج و دارایی بود. رویارویی شاهین و تاج به نوعی نماد رویارویی دو ایدئولوژی و دو اندیشه متفاوت یعنی روشنفکری و نظامی‌گری یا به تعبیری دو تیم مردمی و دولتی بود (رحمتی، ۱۳۸۶). نخستین درگیری جدی بین تماشاگران در مسابقه‌های فوتبال در جریان دو بازی استقلال و پرسپولیس به وقوع پیوست؛ جایی که در اواخر بازی و در حالی که نتیجه بازی با یک گل به سود استقلال پیش می‌رفت، طرفداران پرسپولیس به داخل زمین بازی هجوم آوردند و بازی نیمه تمام ماند (بهروش، ۱۳۹۷). در مسابقه ای دیگر در سال ۱۳۹۰ در استادیوم آزادی و در رقابت میان دو تیم داماش و پرسپولیس در حالی که تیم پرسپولیس تا دقیقه نود ۳-۲ از حریف خود عقب بود، داور بازی به علت توهین و فحاشی بسیار زیاد هواداران بازی را قطع و کمیته انضباطی نتیجه بازی را ۳-۰ به سود داماش اعلام نمود. هواداران تیم که خود را «ارتش سرخ»^۴ می‌نامیدند، پس از این رای بارها به مدیران فدراسیون توهین نمودند. در نمونه‌ای دیگر، بازی تراکتور و استقلال در سال ۱۳۹۰ و در تهران بود که پس از اتمام بازی با نتیجه ۲-۲، هواداران دو تیم در حین عبور از راهروهای خروجی با تخریب صندلی‌ها و جایگاه، آنها را به وسط زمین پرتاب کردند که موجب جراحت چندین مامور انتظامی و هوادار گردید (کارگر و همکاران، ۱۳۹۰).

پژوهشگران و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی دلایلی را مطرح و تفسیرهای متفاوتی در مورد رفتارهای ناهنجار و او‌باشگرانه تماشاگران دارند که گستره آنها از دگرگونی‌های کلان اجتماعی تا عوامل خرد را در بر می‌گیرد (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۳). حوادث به‌وقوع پیوسته در هفته‌های آغازین لیگ برتر فوتبال ایران در فصل هجدهم در شهرهای تبریز، اهواز و تهران و شعارهای نژادپرستانه، فحاشی و حتی ضد حکومتی برخی از هواداران فوتبالی سبب شد تا مسئولان فرهنگی ورزش کشور بار دیگر به چالش «فوتبال بستری برای آشوب»، «فوتبال قربانی خواسته‌های جوامع» یا «فوتبال فضایی برای تفریحات سالم» رو به روشوند. سنگ، فحاشی به خانواده بازیکنان و حتی تهدید جانی هواداران تیم میهمان توسط لیدرهای استقلال اهواز و پارس جنوبی

1. Brechbuhl et al.
2. Sur
3. Schumacher
4. Red Army

جم تنها بخشی از اتفاقات لیگ برتر ایران در هفته‌های اولیه بود. لذا پژوهش حاضر به دنبال آن بود تا در ابتدا مولفه‌های بروز ناهنجاری در فضای ورزشگاه‌های فوتبال ایران را شناسایی و در ادامه راهکارهایی برای جلوگیری و کاهش اثرات آن ارائه نماید.



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش (اندام و سلیمی، ۱۳۹۶، کارگر و همکاران، ۱۳۹۵ و برچبول و همکاران، ۲۰۱۷)

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، آمیخته بود که در دو مرحله کیفی از نوع تحلیل محتوا و کمی انجام شد. نمونه آماری شامل تمامی متخصصان و صاحب‌نظران پیرامون بحث خشونت و هواداری در فوتبال (مدیران ورزشی، اعضای هیات علمی، مسئولین کانون هواداران، هواداران و اصحاب رسانه) بود که پس از ۱۷ مصاحبه کیفی (به عنوان نمونه مطالعاتی هدفمند - گلوله برفی) و رسیدن به مرحله اشباع نظری، تمامی مصاحبه‌ها به منظور تحلیل بر روی کاغذ نگارش شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ادامه ضمن تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و ادبیات پیشینه این حوزه، تعداد ۴۵ گویه بعد از دو دور دلفی به دست آمد که پس از توزیع در میان ۳۰ نفر از هواداران حاضر در ورزشگاه آزادی ضریب پایایی پرسشنامه اولیه ۰/۷۸۳ به دست آمد. با توجه به فرمول تعیین تعداد نمونه کوکران برای جامعه آماری نامعلوم و تعداد نمونه حداقلی ۲۰۰ عدد برای مدلسازی ساختاری^۲ (هومن، ۱۳۸۴)، ۲۵۰ پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس لیکرت (۱= کم اهمیت تا ۵= بسیار مهم) در ورزشگاه‌های غدیر اهواز، عضدی رشت، آزادی تهران، تختی جم و یادگار امام تبریز به عنوان ورزشگاه‌های ملتهب در هفته ششم لیگ برتر توزیع گردید. فرمول کوکران برای حجم جامعه نامعلوم به منظور تعیین تعداد نمونه مطالعاتی مورد استفاده به قرار زیر است (حبیبی، ۱۳۹۱):

$$n = (Z\alpha / 2 + \sigma / \epsilon)^2$$

$$\sigma = \max(xi) - \min(xi) / 6$$

1. Brechbühl et al.

2. Structural Equation Model

از آنجا که پرسشنامه دارای طیف لیکرت ۵ تایی است، بزرگترین مقدار ۵ و کوچکترین مقدار ۱ خواهد بود که با تقسیم بر شش، انحراف معیار ۰/۶۶ به دست می‌آید که بیشینه انحراف معیار است. با توجه به سطح اطمینان ۰/۹۵ و دقت برآورد ۰/۰۱ نیز حداقل حجم نمونه در نهایت برابر است با:

$$Z\alpha/2 = 1.96, \varepsilon = 0.01, \sigma = 0.66 \Rightarrow n = 170$$

پس از تجزیه و تحلیل یافته‌های توصیفی (سن، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات) با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵، از آزمون کی-ام. او^۱ و بارتلت^۲ برای کفایت حجم نمونه (۰/۷۶) و چرخش متعامد^۳ داده‌های برای تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که از میان ۴۵ گویه، ۳۶ گویه دارای بار عاملی بالای ۰/۳ و برای تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار لیزرل^۴ بررسی شد و ضرایب تاثیر به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان دادند از میان ۲۲۱ نفر نمونه مطالعاتی، ۵۴ نفر (۲۴/۴ درصد) متاهل، ۱۲۳ نفر (۵۵/۶ درصد) کمتر از ۲۰ سال سن، ۱۴۲ نفر (۶۴/۲ درصد) بدون شغل و ۱۵۵ نفر (۷۰/۱ درصد) دارای مدرک تحصیلی کمتر از دیپلم بودند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مطالعاتی در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مطالعاتی

متغیر	جمعیت‌شناختی ویژگی‌های	فراوانی	درصد فراوانی	متغیر	جمعیت‌شناختی ویژگی‌های	فراوانی	درصد فراوانی
وضعیت تاهل	متاهل	۵۴	۲۴/۴	وضعیت اشتغال	شاغل	۷۹	۳۵/۷
	متاهل	۱۴۲	۶۴/۲		بیکار	۱۴۲	۶۴/۲
وضعیت تحصیلی	دیپلم و کمتر	۱۵۵	۷۰/۱	سن	۲۰ ≤	۱۲۳	۵۵/۶
	فوق دیپلم	۱۶	۷/۲		۲۱-۳۰	۵۲	۲۳/۵
	کارشناسی	۳۱	۱۴/۰		۳۱-۴۰	۲۴	۱۰/۸
	کارشناسی ارشد	۱۶	۷/۲		۴۱-۵۰	۸	۳/۶
	دکتری و بالاتر	۳	۱/۳		۵۰ ≥	۱۴	۶/۳

1. Kaiser Meyer Olkin (KMO)

2. Bartlett

3. Varimax Rotation

4. LISREL

به منظور تشخیص تناسب حجم نمونه از آزمون بارتلت و معیار کی.ام.او استفاده که مقادیر آنها به ترتیب ۴۰۱۱/۰۸۶ و ۰/۷۶ به دست آمد که بیانگر همبستگی مناسب داده‌ها و کفایت نمونه اندازه‌گیری است (جدول ۲).

جدول ۲: کفایت حجم نمونه و آزمون بارتلت

ضریب کفایت حجم نمونه	۰/۷۶۰
آزمون بارتلت	۴۰۱۱/۰۸۶
درجه آزادی	۵۹۰
سطح معناداری	۰/۰۰۱

از تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش متعامد به منظور کشف مفاهیم و ابعاد استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. ۳۶ گویه دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۳ برای پرسشنامه نهایی مورد استفاده قرار گرفت:

جدول ۳: تحلیل عاملی اکتشافی مولفه‌های اصلی

مفهوم	ورزشگاه	فروشگی	امینتی	مدیریتی	کانون هواداران
شماره گذاری دقیق صندلی‌ها و بلیت فروشی بر اساس آن	۰/۶۷				
استفاده از سیستم‌های مناسب (نور، صوت، گرمایشی، سرمایشی) در ورزشگاه	۰/۴۴				
نرده کشی و حفاظت‌بندی مناسب در ورزشگاه	۰/۳۶				
ارتقای کمی و کیفی حمل و نقل عمومی به ورزشگاه	۰/۶۱				
بهبود کیفیت صندلی‌ها و جایگاه مناسب	۰/۷۷				
طراحی و تجهیز مناسب ورودی و خروجی‌های ورزشگاه	۰/۳۲				
الکترونیکی شدن ورود هواداران به ورزشگاه	۰/۳۱				
استفاده از تاسیسات و امکانات رفاهی نوین مانند سرویس بهداشتی تمیز، بوفه مواد غذایی و ...	۰/۴۳				
اختصاص جایگاه به افراد بر اساس سن، جنسیت و ...	۰/۲۶				
آموزش شیوه‌های مدیریت و کنترل خشونت در مدارس		۰/۳۵			
حساسیت‌زدایی برخی مسابقات		۰/۲۳			
حضور خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها		۰/۴۸			

		۰/۴۰	استفاده از رسانه‌های ورزشی در تقویت فرهنگ ورزشگاه‌ها
		۰/۷۵	تشویق و ترغیب بازیکنان کلیدی به رعایت اصول اخلاقی
		۰/۷۴	حضور چهره‌های سرشناس (سلبریتی‌ها) در ورزشگاه
		۰/۶۷	اصلاح رسانه‌های تحریک‌آمیز مانند صفحه‌های هواداری اینستاگرام و...
		۰/۱۹	آشنا نمودن هواداران با کیفرهای بی‌انضباطی و تخطی از قانون
		۰/۵۹	ممانعت از ورود آشوبگران به ورزشگاه‌ها
		۰/۷۲	استفاده از دوربین‌های مداربسته CCTV
		۰/۳۸	آموزش مناسب مأموران حافظ امنیت
		۰/۱۷	ایجاد سکوهایی مشخص برای تجمع هواداران افراطی
		۰/۷۰	وضع قوانین کیفری مشخص برای افراد خاطی و اعلام آن به هواداران
		۰/۵۰	بازرسی فیزیکی و الکترونیک هواداران پیش از ورود
		۰/۴۳	کنترل نامحسوس هواداران توسط مأموران امنیتی لباس شخصی
		۰/۲۲	افزایش تعداد نیروهای پلیس
		۰/۲۹	تشکیل پلیس ورزش
		۰/۴۳	کنترل راه‌های دسترسی به مواد و اشیا خطرآفرین
	۰/۵۹		عقد قرارداد با بازیکنان، مربیان و داوران حرفه‌ای و متخصص
	۰/۱۲		زمان‌بندی مناسب برگزاری در روز مسابقه و در طی فصل مسابقات
	۰/۸۲		بلیط فروشی بر اساس حجم و ظرفیت ورزشگاه
	۰/۷۶		تلاش برای حمایت از تیم‌های حاضر در رویدادهای جهانی و آسیایی مانند جام باشگاه‌های آسیا (ACL)
	۰/۳۶		ثبات مدیریت در تیم‌های باشگاهی
	۰/۲۵		برنامه‌ریزی و مدیریت اوقات فراغت جوانان و نوجوانان
	۰/۳۸		آموزش مدیریت بحران به مسئولان برگزاری مسابقات
	۰/۲۲		انتخاب تماشاگرهای نمونه در هر فصل از مسابقات
	۰/۴۴		تلاش برای تشکیل باشگاه صدتایی‌ها و ... برای هواداران وفادار از طریق کانون‌های هواداری
	۰/۳۵		بسترسازی مناسب برای تخلیه هیجانات در مناطق مشخصی از شهر برای هواداران

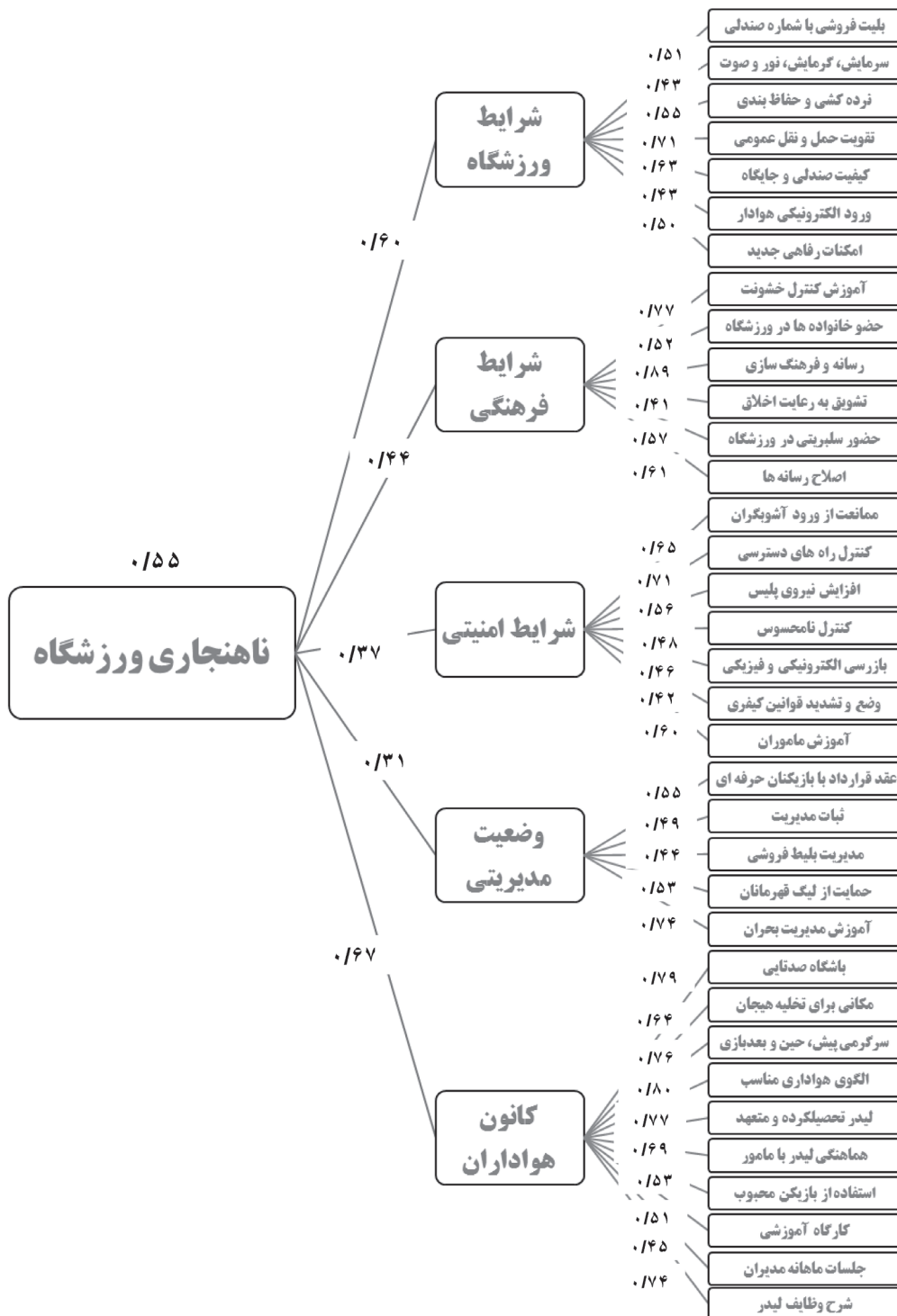
۰/۶۶				برنامه‌ریزی مناسب برای سرگرمی هواداران پیش، بین دو نیمه و پس از بازی
۰/۵۳				طراحی و ارائه الگوی مناسب هواداری
۰/۷۳				استفاده از لیدرهای تحصیل کرده و متعهد
۰/۵۵				داشتن شرح وظایف مشخص لیدرهای باشگاه
۰/۶۱				جلسات ماهانه لیدرها و نمایندگان کانون هواداران با مدیران باشگاه
۰/۵۹				شرکت در کارگاه‌های آموزشی مورد نیاز لیدرها
۰/۳۰				هماهنگی لیدرها با نیروهای امنیتی
۰/۷۹				استفاده از کاپیتان‌ها و بازیکنان موثر در تشویق هواداران به رعایت قوانین در ورزشگاه

۵ بعد امنیتی (۷ گویه)، ورزشگاه (۸ گویه)، فرهنگی (۶ گویه)، کانون هواداران (۱۰ گویه) و مدیریتی (۵ گویه) طبق جدول ۳ و بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی به دست آمد؛ سایر بارهای عاملی در جدول ۳ آمده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازندگی مدل

مقدار گزارش شده	مقدار قابل قبول	شاخص
۲۶۷۴/۳۵	-	مجذور کای
۰/۹۸	۰/۹ بالاتر	شاخص برازندگی (GFI)
۰/۰۲۸	زیر ۰/۰۸	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)
۰/۹۸	۰/۹ بالاتر	شاخص برازندگی تعدیل یافته (AGFI)
۰/۰۲	زیر ۰/۰۸	میانگین مجذور پس ماندها (RMR)
۲/۱۹	بین ۱ تا ۳	نسبت مجذورکای بر درجه آزادی

برای آن که بدانیم تا چه حد کل مدل با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارد، برازش کل مدل ارزیابی و بدین منظور از شاخص‌های برازش مرتبط استفاده شده که در جدول ۴ آمده است. با توجه به جدول ۴، تمام شاخص‌های گزارش شده دارای مقادیر قابل قبول به منظور برازش مدل کلی هستند. بنابراین می‌توان گفت در حالت کلی مدل با داده‌های مورد استفاده سازگاری دارد. بر اساس تحلیل‌های فوق، مدل تجربی پژوهش بر اساس ضرایب استاندارد در شکل ۲ آمده است. با توجه به شکل ۲، مولفه‌های کانون هواداران، شرایط ورزشگاه، شرایط فرهنگی، شرایط امنیتی و وضعیت مدیریت به ترتیب بیشترین تاثیر را بر بروز رفتارهای نابهنجار دارند. سایر ضرایب مرتبط با مفاهیم هریک از مولفه‌ها در شکل ۲ آمده است.



بحث و نتیجه گیری

در طول تاریخ، مسابقات و رویدادهای ورزشی مختلف منبعی قوی برای سرگرمی های جمعی بوده و خشونت و پرخاشگری همواره یکی از مشخصه های اصلی تماشاگران و ورزشکاران به شمار آمده است (اندام و سلیمی، ۱۳۹۶). در ایران نیز رویارویی سه تیم شاهین، تاج و دارایی در دهه ۱۳۴۰ و تقابل دو اندیشه نظامی گری و روشنفکری در مستطیل سبز همواره بستر ساز درگیری میان هواداران و تماشاگران دو تیم بوده است. آشوب های هفته های نخستین هجدهمین دوره لیگ برتر فوتبال ایران و ظهور رفتارهای مخرب و نابهنجار از قبیل فحاشی، پرتاب سنگ و حتی در مواردی تهدید جانی داوران و بازیکنان سبب شد تا پژوهش حاضر ضمن بررسی شرایط، مفاهیم موثر بر بروز این رفتارها را شناسایی نماید.

این پژوهش نشان داد کانون هواداران، شرایط ورزشگاه، شرایط فرهنگی، شرایط امنیتی و وضعیت مدیریتی به ترتیب مهمترین مولفه های بروز ناهنجاری از دید هواداران بر روی سکوهای ورزشگاه های لیگ برتر فوتبال ایران است (شکل ۲).؛ در این پژوهش مهمترین مولفه «کانون هواداران» نامیده شد که از دید نمونه مطالعاتی مهمترین علت بروز رفتارهای نابهنجار در ورزشگاه ها بود. یافته های این قسمت از پژوهش را می توان با نتایج رحمتی (۱۳۸۶)، حسین پور و همکاران (۱۳۹۳)، خاقانی آور و شانواز (۱۳۹۵)، بهروش (۱۳۹۷)، التزما (۲۰۱۲)، دورسی (۲۰۱۲) و برچبول و همکاران (۲۰۱۷) که در آن لیدرها را به عنوان مهمترین گروه در بروز وندالیسم فوتبالی گزارش کرده اند همسو دانست. از دید این پژوهشگران، علل روانی، اجتماعی و فرهنگی بروز اوباشگری در ورزشگاه های فوتبال را می توان از طریق آموزش و حضور خانواده ها در این فضا تعدیل کرد. بعلاوه، به کارگیری لیدرهای تحصیلمکرده نیز می تواند راهگشای التهاب سکوهای فوتبال باشد. التزما (۲۰۱۲) حضور پررنگ اولترها را نه تنها به عنوان مهمترین عامل در بروز رفتارهای خشن در ورزشگاه ها، بلکه یکی از عوامل موثر در تغییرات سیاسی کشورهای شمال آفریقا می داند. دورسی (۲۰۱۲) نیز اولترها را به عنوان ابزاری غیر حکومتی و غیر مذهبی در بروز بهار عربی و سرنگونی حکومت حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱ در مصر گزارش کرد که با یافته های این پژوهش همخوانی دارد.

دومین مولفه «شرایط ورزشگاه» نامیده شد. نتایج این قسمت با یافته های غلامی ترکسلویه و حیدری نژاد (۱۳۹۴) که در آن وضعیت ایمنی و بهداشتی ورزشگاه را مهمترین عامل در بروز پرخاشگری تیم های فوتبال اهوازی گزارش کرده بودند، همخوانی دارد. اندام و سلیمی (۱۳۹۶) نیز وضعیت محیطی را مهمترین عامل در بروز رفتارهای نابهنجار هواداران تیم های هندبال لیگ برتر گزارش نمودند و علت آن را به حضور کمرنگ لیدرها در این رشته ورزشی نسبت دادند. رضانی نژاد و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی ناهنجاری های رفتاری از دید داوران، امکانات و خدمات به هواداران را مهمترین مولفه در کاهش بروز خشونت و پرخاشگری آنان گزارش کردند که با یافته های این قسمت از پژوهش همخوانی دارد.

سومین مولفه اثرگذار بر بروز رفتارهای نابهنجار تماشاگران در این پژوهش، «شرایط فرهنگی» بود. رسانه را می توان مهمترین ابزار در تقویت بروز رفتارهای استناددار ورزشکاران و تماشاگران دانست (کارگر و همکاران، ۱۳۹۶). فاضلی (۱۳۸۶) رسانه ها را مهمترین عامل در اغتشاشات خیابانی پس از برگزاری رویدادهای ورزشی

می‌داند. حسین پور و همکاران (۱۳۹۳) شرایط فرهنگی و در راس آنها تحریک رسانه‌ها را مهمترین عامل در بروز رفتارهای اوباشگرانه هواداران معرفی می‌کنند. از دید فاضلی (۱۳۸۶) رسانه موجب جایگزینی «بازنمای فوتبال» به جای «واقعیت فوتبال» می‌شود که این موضوع خود بسترساز خشونت در ورزشگاه‌هاست.

«شرایط امنیتی» و «وضعیت مدیریت» دو مولفه آخر در بروز رفتارهای نابهنجار از دید این پژوهش بود. فاضلی (۱۳۸۶) حضور کارناوال‌های سیاسی و فرهنگی در خیابان‌ها را یکی از نشانه‌های ضعف امنیتی در برگزاری مسابقات ورزشی می‌داند و معتقد است ورزش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ارائه رفتارهای مغایر با ایدئولوژی رسمی حکومت و حتی در مواردی برهم زدن امنیت شهر یا کشور شود. بهروش (۱۳۹۷) نیز معتقد است زندان تنها راه چاره و امنیت ورزشگاه‌ها از حضور هواداران افراطی است. کارگر و همکاران (۱۳۹۶) در بخشی از مقاله خود اقدامات فرهنگی و زیرساخت‌های ورزشی را از جمله موارد حفظ امنیت رویدادهای ورزشی و جلوگیری از اعتراضات مردمی در ورزشگاه‌ها گزارش کردند که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. از سوی دیگر، اندام و سلیمی (۱۳۹۶) نارضایتی هواداران از وضعیت امنیتی و مدیریتی را به‌عنوان بخشی از ابعاد پنج‌گانه بروز ناهنجاری‌ها در سالن‌های برگزاری لیگ برتر هندبال ایران گزارش نمودند که با یافته‌های این پژوهش همسوست. برچبول و همکاران (۲۰۱۷)، تصمیمات رییس جدید فدراسیون فوتبال اسپانیا را در کاهش رفتارهای نابهنجار مفید گزارش کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، پس از کشته شدن هوادار رئال سوسیه داد در سال ۲۰۱۷، تشکیل کمیته ضد خشونت توسط رییس فدراسیون یکی از مهمترین اقدامات مدیریتی در کاهش رفتارهای خشن و نابهنجار هواداران افراطی باشگاه‌های فوتبال اسپانیا بود.

فوتبال به‌عنوان رایج‌ترین و پرطرفدارترین رشته ورزشی در ایران به تدریج مرحله گذار خود از فوتبال سنتی به دنیای حرفه‌ای را می‌گذراند. مطالعه و بررسی رفتار هواداران فوتبال در ایران، با وجود برخی شباهت‌های ظاهری از نظر ساختاری، تفاوت‌هایی اساسی را با دیگر کشورها نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، دورسی (۲۰۱۲) ضمن تبیین تاثیر فوتبال در بهار عربی، «فوتبال خاورمیانه» را اهرمی غیر مذهبی و غیرحکومتی برای ابراز وماندگی مردم از سیستم حکومتی می‌داند. به‌طور کلی، جهانی شدن فوتبال و سازوبرگ هواداران این ورزش (مانند شال‌گردن، پیراهن، آرم‌ها و نشانه‌ها، مجلات، روزنامه‌ها و غیره) در نقاط گوناگون دنیا جملگی دلالت بر این معنا دارند که فرهنگ هواداری از فوتبال به‌آسانی بین جوامع و فرهنگ‌های دیگر رواج پیدا می‌کند، اما در کنار فرایند جهانی شدن، می‌توان شاهد فرایند دیگری موسوم به «بومی شدن پدیده‌های جهانی» بود و شباهت‌ها و تفاوت‌های رفتاری تماشاگران و هواداران فوتبال در نقاط گوناگون دنیا را دریافت (دادگران، ۱۳۸۹). در واقع، جو «ورزشگاه ایده‌آل» را می‌توان حلقه مفقوده فوتبال امروز ایران نامید که هواداران مهمترین رکن آن از دید این پژوهش است.

با نگاهی بر تجربیات سایر کشورها در این زمینه به خوبی می‌توان دریافت که سازمان‌های دخیل در برگزاری لیگ‌های فوتبال این کشورها از دهه ۱۹۸۰ میلادی با شروع برنامه‌ای منظم توانسته‌اند بسیاری از مشکلات و مسائل مرتبط با بروز خشونت‌های اینچنینی در قالب فحاشی، توهین و... را مرتفع نمایند. به‌عنوان نمونه، فدراسیون فوتبال اسپانیا در سال ۲۰۱۶ فهرست موارد ده‌گانه‌ای را در قالب «کمیته ضد خشونت» تصویب

کرد که ممنوعیت استعمال دخانیات، جلوگیری از فحاشی به داوران، مریبان، بازیکنان و وابستگان آنها و ... تنها بخشی از آن است. در کشور انگلستان، فوتبالیست‌های مطرح هرکدام در تیزرها و کلیپ‌های مختلف به منظور نکوهش رفتارها و ناهنجاری‌های ورزشگاه‌ها تلاش می‌نمایند. در این کشور نرم افزاری برای موبایل هواداران طراحی شده که فهرست الفاظ ممنوعه را به اطلاع تماشاگران می‌رساند. به علاوه آنها می‌توانند هر گونه ناهنجاری را از این طریق به مسئولان امنیت ورزشگاه اطلاع دهند. در ورزشگاه سیگنال ایدونا پارک^۱ شهر دورتموند آلمان در کنار صدور بلیط‌های الکترونیکی، شماره گذاری دقیق صندلی‌ها و غیره، ۳۰۰ دوربین مدار بسته 4K نیز برای نظارت بر رفتارهای تماشاگران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در ایران، پرداخت جریمه و بازی بدون تماشاگر نهایت جریمه کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال برای هواداران متخلف باشگاه‌های لیگ بوده و جرایم فردی برای متخلفان بسیار کم‌رنگ است. مدیران فرهنگی ورزش کشور همواره با کلیشه «ما بهترین تماشاگران دنیا را داریم» سعی در توجیه سیاست‌های نادرست سالم سازی محیط ورزشگاه‌ها را دارند. اخیراً «تزیق ۲۰۰ لیسانسه بر سکوها» را می‌توان از جمله سایر اقدامات گمراه‌کننده مدیران فرهنگی در باشگاه‌های مختلف ورزشی برشمرد که از این طریق بر آن‌اند که مرهمی بر زخم عمیق رفتارهای ناهنجار بر روی سکوهای ورزشگاه‌ها بگذارند. به علاوه، فضای پرتلاطم اقتصاد سیاسی ایران سبب شده تا فوتبال به عنوان ابزاری برای ارضای ناکامی‌های اجتماعی و اقتصادی افراد مطرح شود و بسیاری از اعتراضات اجتماعی و سیاسی در ورزشگاه‌ها ظهور یابند.

در نهایت به نظر می‌رسد دو نوع واکنش کلی می‌توان به این پدیده نشان داد: الف) کیفری و ب) غیرکیفری. مورد اول بدان معناست که قانونی تصویب کنیم و برای هواداران ناهنجار که دست به خشونت در فوتبال می‌زنند مجازات‌های سنگین تعیین کنیم. سپس هر کس که مرتکب این رفتارها شد را دستگیر نماییم و به سزای عملش برسانیم. سال‌های متمادی، این شیوه در کشورهای مختلف اروپایی اجرا شده و دولت‌ها به برخورد پلیسی و قضایی با هواداران ورزشی روی آورده بودند، اما پس از گذشت سالیان زیاد، نه تنها رفتارهای ناهنجار و خشونت‌های فوتبالی در ورزشگاه‌ها کم نشده است، بلکه بر شدت آن نیز اضافه می‌گردید. در نتیجه راهکار دوم یعنی شیوه‌های غیرکیفری مطرح شد. یکی از این شیوه‌های غیرکیفری آن است که مراقبت‌ها و نظارت‌ها را بیشتر کنیم. به عبارت دیگر، زمانی که هواداران در ورزشگاه‌ها شروع به استفاده از مواد آتش‌زا و منفجره یا پرتاب اشیای خطرناک به داخل زمین می‌نمایند، نظارت‌ها را نیز افزایش دهیم. به عنوان نمونه، نشان دادن انفرادی تماشاگران از دریچه دوربین برای تماشاگران حاضر در ورزشگاه و بینندگان تلویزیونی این حس را به افراد القا می‌نماید که آنها در هر لحظه توسط مسئولان امنیتی تحت نظارت هستند و این موضوع خود برای انجام رفتارهای ناهنجار بازدارنده است. افزایش تعداد مأموران پلیس یا دوربین‌های مدار بسته در ورزشگاه‌ها برای شناسایی افراد خاطی، شماره گذاری صندلی‌ها، فروش بلیت بر اساس شماره صندلی و ... عوامل بازدارنده‌ای است که به شناسایی افراد خاطی و ناهنجار در ورزشگاه‌ها کمک می‌کند. تجربه به کارگیری این شیوه‌ها در برخی کشورها نشان می‌دهد در کنار این اهرم‌ها، تلاش باشگاه‌ها برای نزدیک کردن خود به هواداران از طریق شناسایی رهبران و لیدرهای آنها و دعوتشان به جلسات هفتگی یا ماهانه می‌تواند کمک مهمی در کاهش

تنش‌های خارج ورزشگاه‌ها باشد. در نهایت در فضای پرتنش و پرتلاطم ورزشگاه‌های فوتبال ایران، به مدیران ورزش بویژه مدیران فدراسیون فوتبال و در راس آن مدیران سازمان لیگ و باشگاه‌ها رعایت موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- تشکیل و تقویت کانون هواداران و صدور کارت برای هر یک از اعضا؛
- استفاده از کارگاه‌های آموزشی مخصوص لیدرها و برگزاری جلسات منظم با آنها به منظور تقویت فرهنگ هواداری؛
- تلاش برای حضور خانواده‌ها به ویژه زنان و کودکان به منظور تلطیف و ایده آل‌سازی جو ورزشگاه‌ها؛
- نظارت هرچه بیشتر بر عملکرد هواداران از طریق افزایش ماموران امنیتی و دوربین‌های مدار بسته؛
- افزایش مفاهیم اخلاقی در تولید محتوای برنامه‌های ورزشی رسانه؛
- آموزش فرهنگ هواداری به عنوان بخشی از برنامه درسی تربیت بدنی مدارس با توجه به حضور جمعیت نوجوان و جوان به عنوان اکثریت افراد حاضر در ورزشگاه‌ها.

به نظر می‌رسد در کنار ساخت و تجهیز ورزشگاه‌های مدرن در ایران مانند شهدای فولاد اهواز، امام رضا (ع) مشهد یا نقش جهان اصفهان، آنچه مورد کم توجهی مسئولان فوتبال قرار گرفته است، فرهنگ هواداری و راه‌های پیشگیری از بروز ناهنجاری‌هاست. مادامی که مسئولان فرهنگی به گرفتن عکس در مراسم آغازین به عنوان مهمترین اثر فرهنگی یک باشگاه یا تیم بسنده نمایند، نمی‌توان التهاب سکوه‌های فوتبال را مدیریت نمود. به عبارت دیگر، داشتن برنامه فرهنگی جامعی که بتواند علاوه بر کنترل لیدرها و رسانه‌ها، شرایط ورزشگاه را نیز تلطیف نماید، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- اندام، رضا و سلیمی، میترا. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل موثر در ایجاد ناهنجاری های رفتاری هواداران مسابقات لیگ برتر هندبال ایران». دو فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. سال ششم، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۹۱.
- پارسامهر، مهربان و ترکان، رحمت الله. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل موثر بر هواداری افراد از تیم های فوتبال لیگ ایران». مجله جامعه شناسی ایران. دوره ۱۰، شماره ۳، ۲۲:صص ۸۵-۱۰۸.
- حسین پور، اسکندر؛ نیازی پور، مرادعلی؛ کاشف، سیدمحمد؛ باقری، قدرت الله و جونئی، یوسف. (۱۳۹۳). «نقش رسانه های اجتماعی بر توسعه رفتارهای اوباشگرایانه تماشاگران فوتبال». سال دوم، شماره ۵، صص ۱۷-۱۰.
- خاقانی آور، فاطمه و شانواز، بلال. (۱۳۹۵). «بررسی خشونت کلامی و مجازی تماشاگران فوتبال در ایران». نشریه مطالعات تربیت بدنی و علوم ورزشی. دوره ۱، شماره ۴، صص ۴۰-۵۴.
- دادگران، محمد. (۱۳۸۹). «پیشگیری های روانی - اجتماعی فوتبال رسانه ای». نشریه تحقیقات روانشناختی. دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۱۲-۱۲۱.
- رحمتی، محمدمهدی. (۱۳۸۶). «بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال». پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- رمضانئی نژاد، رحیم؛ رحمتی، محمدمهدی؛ همتی نژاد، مهرعلی و آزادان، مالک. (۱۳۹۱). «تحلیل عاملی متغیرهای بروز پرخاشگری از دیدگاه داوران فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۱۳، صص ۲۰۱-۲۱۴.
- عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۱). «فوتبال و کشف تغییرات فرهنگی». فصلنامه نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹، صص ۹۲-۱۰۸.
- غلامی، سجاد و حیدری نژاد، صدیقه. (۱۳۹۴). «بررسی دیدگاه هواداران تیم های فوتبال اهواز در خصوص عوامل موثر بر بروز پرخاشگری». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۸، صص ۱۲۱-۱۳۴.
- حبیبی، آرش. (۱۳۹۱). آموزش کاربردی SPSS. تهران: نشر مبتکران
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۶). «بازنمای فوتبال یا واقعیت؟ نگاهی به رسانه ای شدن فوتبال». فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال دوازدهم، شماره ۲۸، صص ۸۱-۱۰۹.
- کارگر، غلامعلی؛ غفوری، فرزاد؛ محمدی، یوسف و مرادی، غلامرضا. (۱۳۹۵). «ارائه الگوی عوامل تاثیرگذار بر امنیت رویدادهای ورزشی ایران». فصلنامه انتظام اجتماعی. سال هشتم، شماره ۴، صص ۱۵۷-۱۹۰.
- مصباحی پور ایرانیان، جمشید. (۱۳۸۱). «چرا فوتبال؟». ماهنامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹، صص: صص ۱۵۵-۱۶۵.
- هاشمی، ضیا و جوادی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «فوتبال و هویت ملی». فصلنامه مطالعات ملی. سال هشتم، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۳.
- Brechbühl, A., Schumacher Dimech, A., & Seiler, R. (2017). "Policing Football Fans in Switzerland—A Case Study Involving Fans, Stadium Security Employees, and Police Officers". Policing: A Journal of Policy and Practice.
- Brechbühl, A., Schumacher Dimech, A., Schmid, O. N., & Seiler, R. (2017). "Escalation

vs. non-escalation of fan violence in football? Narratives from ultra-fans, police officers and security employees”. *Sport in Society*, 20(7), 861-879.

- Dorsey, J. (2012). **“Pitched battles: The role of ultra-soccer fans in the Arab Spring”**. *Mobilization: An International Quarterly*, 17(4), 411-418.
- El-Zatmah, S. (2012). **“From Terso into Ultras: the 2011 Egyptian revolution and the radicalization of the soccer’s Ultra-Fans”**. *Soccer & Society*, 13(5-6), 801-813.
- Ginhoux, B. (2018). **“Openers, witnesses, followers, and good guys. A sociological study of the different roles of female and male ultra-fans in confrontational situations”**. *Sport in Society*, 21(6), 841-853.
- Guschwan, M. (2007). **“Riot in the curve: Soccer fans in twenty-first century Italy”**. *Soccer & Society*, 8(2-3), 250-266.
- Schumacher Dimech, A., Brechbühl, A., & Seiler, R. (2016). **“Dynamics of critical incidents with potentially violent outcomes involving ultra fans: an explorative study”**. *Sport in Society*, 19(10), 1440-1459.